

## چکیده

تاریخ شفاهی به عنوان رویکردی مسبوق به سابقه در جمع‌آوری داده‌های تاریخی، توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است. منابع حاصل از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی به لحاظ پویایی و توانایی در انتقال گفت‌وگو حاکم بر زمان رخدادها، دارای اهمیت قابل توجهی است. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران به منظور ارائه منابع تاریخ شفاهی به جامعه پژوهشی، به آماده‌سازی مصاحبه‌ها پرداخته، سپس آن‌ها را چاپ و منتشر می‌کند. در این راستا بحث پیرامون روش‌های تدوین (ویرایش) در این سازمان حائز اهمیت است. لذا نشست «بررسی چالش‌های آماده‌سازی مصاحبه‌های تاریخ شفاهی برای چاپ و نشر» به منظور بررسی موارد مذکور برگزار شد و در مقاله پیش‌رو، مباحث طرح‌شده در آن، در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

## کلیدواژه‌ها:

مصاحبه، تاریخ شفاهی، چالش، آماده‌سازی، چاپ و نشر.

# نشست بررسی چالش‌های آماده‌سازی متن مصاحبه‌های تاریخ‌شفاهی برای چاپ و نشر

پیمان‌ه صالحی

## مقدمه

نشست «بررسی چالش‌های آماده‌سازی متن مصاحبه‌های تاریخ‌شفاهی برای چاپ و نشر» در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۵، در سرای اهل قلم نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران برگزار شد. در این نشست، آقای غلامرضا عزیزی، رئیس پژوهشکده اسناد، خانم شفیقه نیک‌نفس، رئیس گروه اطلاع‌رسانی منابع دیداری- شنیداری، خانم پیمان‌ه صالحی، کارشناس مسئول اطلاع‌رسانی منابع دیداری- شنیداری و آقای اکبر فلاحی، رئیس گروه ارتباطات آرشیوی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران سخنرانی کردند و علاقمندان به حوزه تاریخ‌شفاهی نیز در این برنامه شرکت کردند. از آنجایی که تاریخ‌شفاهی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران جهت‌گیری آرشیوی داشته و به‌عنوان سند تلقی می‌گردد؛ لذا بیان روش‌های آماده‌سازی متن مصاحبه‌های تاریخ‌شفاهی جهت انتشار و شرح چالش‌ها و دشواری‌های موجود در این زمینه، حائز اهمیت می‌باشد. در نشست مذکور که به‌صورت سؤال و جواب بین سخنرانان برگزار گردید، مواردی نظیر: سیاست‌های انتخاب مصاحبه برای چاپ و نشر، آماده‌سازی متن مصاحبه‌ها و روش‌های تدوین (ویرایش)؛ به‌تفصیل موردبحث قرار گرفت. همچنین نمونه کتاب‌های منتشر شده در این زمینه نیز ارائه گردید. در این نوشتار، مباحث مطرح‌شده در نشست چالش‌های آماده‌سازی مصاحبه‌ها برای چاپ و نشر، ارائه شده است.

**نیک‌نفس:** به نام خدا. خدمت حضار گرامی سلام عرض می‌کنم. این نشست درباره بررسی چالش‌های آماده‌سازی متن مصاحبه‌های تاریخ‌شفاهی برای چاپ و نشر است. عزیزی که در این پانل حضور دارند، [شامل]: آقای غلامرضا عزیزی، رئیس پژوهشکده اسناد در سازمان اسناد

۱- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی،  
کارشناس مسئول سازمان اسناد و کتابخانه  
ملی ایران [pe\\_salehi@yahoo.com](mailto:pe_salehi@yahoo.com)

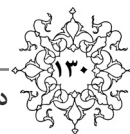


و کتابخانه ملی ایران، خانم پیمانہ صالحی، از کارشناسان مسئول گروه تاریخ شفاهی، آقای دکتر اکبر فلاحی، رئیس گروه ارتباطات آرشیوی و من، شفیقه نیک‌نفس، رئیس گروه تاریخ شفاهی یا اطلاع‌رسانی منابع دیداری - شنیداری در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

موضوعی که بیشتر می‌خواهیم در مورد آن صحبت بکنیم، روش‌های آماده‌سازی متن مصاحبه‌های تاریخ شفاهی برای انتشار است. همچنان که استحضار دارید، سال‌های زیادی است که در کشور ما به مبحث تاریخ شفاهی توجه شده است. می‌توانیم تخمین بزنیم که بیش از سی و هفت سال است که توجه به مبحث تاریخ شفاهی در ایران آغاز شده است و سازمان‌ها، انجمن‌ها و مراکز متعددی هستند که به تولید منابع تاریخ شفاهی می‌پردازند. چیزی که در مورد منابع تاریخ شفاهی اهمیت دارد، جنبه سندیت داشتن آن و نیز تولید منابعی برای پژوهش‌های تاریخی است. به لحاظ ارزیابی، منابع تاریخ شفاهی را به‌عنوان منابع دست اول یا منابع اصلی پژوهش‌های تاریخی قلمداد می‌کنند. همین دسته‌بندی یا ارزیابی که از این اسناد می‌شود، نوع کار با منابع تاریخ شفاهی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. طی این سال‌ها، منابع بسیار متعددی تولید شده است و همان‌طور که گفتیم، خیلی از سازمان‌های دولتی، دست‌به‌کار تولید این منابع شده‌اند. [این کار] از طریق انجام مصاحبه با شخصیت‌هایی که در تاریخ معاصر منشاء اثر بودند یا شاهد رویدادهای تاریخ معاصر بودند، [صورت می‌پذیرد].

اتفاقی که در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران افتاده، به این ترتیب است که از اواخر سال ۱۳۷۱ و اوایل ۱۳۷۲، با شخصیت‌هایی که در رویدادهای تاریخ معاصر منشاء اثر بودند و نقش‌آفرینی داشتند؛ مصاحبه‌هایی انجام شد. در واقع این مصاحبه‌ها، به‌عنوان مکمل اسنادی که در این سازمان نگهداری می‌شوند، قرار گرفتند. به دلیل اینکه دیدگاه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در جایگاه آرشیو ملی، یک دیدگاه اسنادی، با [هدف] جمع‌آوری اطلاعات مستند تاریخی است؛ به منابع تاریخ شفاهی هم با همین دید نگاه کرده است و آن‌ها را به‌عنوان اسناد نگهداری می‌کند. روش کار در مورد این منابع بعد از انجام مصاحبه، پیاده‌سازی، فهرست‌نویسی و اطلاع‌رسانی آن‌ها است. در حوزه اطلاع‌رسانی، یکی از فعالیت‌هایی که انجام می‌شود، بحث چاپ و نشر مصاحبه‌های تاریخ شفاهی است که به‌رحال می‌توانیم بگوئیم که نمونه‌هایی از منابعی که در این سازمان جمع‌آوری شده، به‌چاپ رسیده است و الان در معرض فروش قرار دارد.

در زمینه آماده‌سازی مصاحبه‌ها جهت چاپ، بنا به اهداف مختلف سازمان‌ها، روش‌های متفاوتی به‌کار گرفته شده است. بعضی از سازمان‌ها، مصاحبه‌ها را با هدف اینکه می‌خواهند آن‌ها را به‌چاپ برسانند، انجام می‌دهند. در واقع از ابتدا مطلع هستند که قرار است این منابع چاپ بشوند و بعد از انجام مصاحبه، ویراستار کارش را انجام می‌دهد و آن را به یک کتاب‌خاطره تبدیل می‌کند. این روش، یکی از سبک‌هایی است که در مورد این منابع وجود دارد. سبک‌های کاری دیگری هم وجود



دارد، مثل سبکی که دانشگاه هاروارد به کار برده که مصاحبه‌ها را به همان ترتیب، سبک و سیاق که انجام شده است؛ پیاده‌سازی و برای چاپ آماده می‌کند.

ما در این پانل می‌خواهیم مراحل آماده‌سازی مصاحبه برای چاپ و نشر از دیدگاه خودمان را به شما عرضه بکنیم که چند محور دارد: یکی اینکه مصاحبه یا منبع تاریخ شفاهی چه طور باید انتخاب بشود؟ چه مصاحبه‌ای برای چاپ و نشر مناسب است؟ دیگر اینکه ساختار مصاحبه را به چه شکلی باید برای چاپ آماده‌سازی بکنیم؟ یکی هم اینکه روش‌های ویراستاری مصاحبه به چه نحوی است؟ در آخر اینکه از نظر حقوق فردی یا حق تألیف یا قوانین و مقررات؛ وضعیت چاپ مصاحبه‌ها به چه ترتیبی ارزیابی می‌شود؟

من دوستان عزیزم را معرفی کردم و تمایل دارم که به ترتیب، نظرشان را راجع به چگونگی انتخاب مصاحبه ابراز بفرمایند. آقای فلاحی بفرمائید؟

**فلاحی:** بسم الله الرحمن الرحيم. از آقای عزیزی و خانم نیک‌نفس تشکر می‌کنم. به نظر من راجع به انتخاب مصاحبه برای چاپ، وقتی سازمان مصاحبه‌ای را با فردی انجام می‌دهد، با هدف و برنامه [این کار] را انجام داده و در نهایت زمان چاپ را هم در نظر گرفته است؛ اما نیازمند این است که محتوای آن هم بررسی بشود. به نظر من، شخص مصاحبه‌شونده باید فرد مشهوری باشد که خاطراتش ارزش چاپ و خوانده شدن را داشته باشد. راجع به نحوه انجام مصاحبه هم فردی که مصاحبه می‌کند و در واقع مصاحبه‌کننده، باید سؤالاتی را بپرسد که ارزش فکری داشته باشند. [همین طور] بایستی موضوع مهم و حساس زندگی فرد که مصاحبه با هدف جمع‌آوری آن صورت گرفته است؛ دقیق بررسی شده و مصاحبه‌گر توانسته باشد با طرح سؤالات، اطلاعات را از ذهن مصاحبه‌شونده بیرون کشیده باشد.

علاوه بر این، حجم مصاحبه هم مهم است. مصاحبه می‌تواند هفتاد، هشتاد یا سیصد یا هزار صفحه باشد. این مورد هم در انتخاب مصاحبه برای چاپ، مهم است. به اهمیت موضوع هم باید [توجه شود] که موضوع مصاحبه ارزش چاپ داشته باشد و سیاست سازمان بر این قرار بگیرد که آن را چاپ بکند. به نظر من فرد مصاحبه‌کننده هم می‌تواند تأثیرگذار باشد، یعنی فردی که سؤالات را تهیه کرده و با اطلاع به مصاحبه رفته است.

**نیک‌نفس:** خیلی ممنون آقای فلاحی. آقای عزیزی شما در این مورد چه نظری دارید؟ چه جور مصاحبه‌ای برای چاپ و نشر مناسب است؟ آیا نقش مصاحبه‌کننده موثر است؟ آیا حجم مصاحبه در انتخاب متن مصاحبه موثر است؟

**عزیزی:** بسم الله الرحمن الرحيم. من سلام عرض می‌کنم خدمت حاضران و تشکر می‌کنم که [در برابر] وسوسه تماشای نمایشگاه مقاومت کردند، در اینجا تشریف دارند و ما در خدمت‌شان هستیم.



راستش من جور دیگری فکر می‌کنم، یعنی تفاوت روش دارم با [مطلبی] که دکتر فلاحی فرمودند؛ نه اختلاف دیدگاه. به ذهن من، دو تا بحث است؛ یعنی بر عکس کارهای پژوهشی که در واقع از ابتدا دارید برای انتشار پژوهش می‌کنید و به‌صرف انتشار انجام می‌شود؛ تاریخ شفاهی این جوری نیست. شما الزاماً یک مصاحبه تاریخ شفاهی را انجام نمی‌دهید که الزاماً همان مصاحبه را چاپ کنید. در واقع اگر مصاحبه موضوع محور باشد، با اینکه شخص محور باشد، فرق می‌کند. مصاحبه‌های شخص محور با نیت انتشار [تمام] مصاحبه انجام می‌شود، و گرنه در مصاحبه موضوع محور، ممکن است با ده نفر مصاحبه کنید و از بین شصت یا صد یا صد و بیست دقیقه مصاحبه‌ای که انجام داده‌اید؛ فقط سی یا چهل دقیقه‌اش را برای انتشار انتخاب کنید. دلیلش هم [این است] که از ابتدا برای انتشار هر آنچه خواهند گفت، برنامه‌ریزی نکرده بودید.

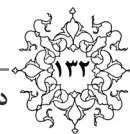


پست و نهمین نمایندگان بین‌المللی  
کتاب تهران ۱۳۹۵ تا ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۵



خوب امکان دارد در یک مصاحبه موضوع محور، مثل «هفده شهریور» با چند نفر مصاحبه کنید و این افراد علاوه بر معرفی خودشان، مطالبی در حین مصاحبه بگویند که مربوط به حیطه اصلی مصاحبه نباشد. در واقع مصاحبه‌شونده از قبل و بعد از آن واقعه، اطلاعاتی به ما بدهد که در پژوهش مورد استفاده نیست. درست است که می‌توانیم کل این [مطالب] را منتشر کنیم، ولی هدف از جمع‌آوری این مجموعه، «سایر خاطرات» آن فرد نبوده است. قاعده‌اش این است که در این جور مصاحبه‌ها، مصاحبه‌کننده سعی می‌کند مصاحبه‌شونده را از انحراف از موضوع، [باز دارد]؛ چون مصاحبه موضوعی است.

در مصاحبه فرد محور فرق می‌کند و به قول یکی از نویسندگان که می‌گوید: «میدان مصاحبه، مثل



میدان مسابقه برای مصاحبه‌شونده است.» در واقع مصاحبه‌شونده می‌تواند هر چه دلش می‌خواهد، بگوید، چون مبنای مصاحبه، فردی است. حتی عقاید، نظرات و نگاه خاصی که به موضوعات خاص دارد، جدای از سؤالات، می‌تواند برای من مصاحبه‌کننده جالب باشد؛ ولو اینکه قبلاً آن سؤالات به‌ذهن نیامده باشد و طراحی نکرده باشم.

در مصاحبه موضوع‌محور سراغ ارزش افراد نمی‌رویم، چون برای ما فرقی نمی‌کند. مثلاً دور میدان شهدا (زاله آن روز) کسی که دارد ساندویچ یا بلیط سینما می‌فروشد (حالا بگذریم که آن روز، سینما تعطیل بود) یا مأمور برقی که دارد آنجا کار می‌کند؛ هیچ‌کدام فرد مشهور، ویژه و خاصی نیستند. اهمیت آن‌ها برای ما در مصاحبه تاریخ‌شفاهی، اطلاعاتی است که به‌طور مستقیم مشاهده کرده‌اند، نه شخصیت خودشان.

تعمیر بنده به فرمایشات دکتر فلاحی در این قسمت بود که به ذهن من، سمت و سوی صحبت‌های ایشان به مصاحبه‌های فردمحور بود که پوزیشن<sup>۱</sup> شخص [مورد توجه] است. خوب در مورد ارزش افراد که نمی‌توانیم صحبت کنیم که مثلاً من مهم‌تر هستم یا شما و هیچ‌کس نمی‌تواند این کار را بکند. همه ما مهم هستیم و مخلوقات خداوند و هر کدام یکی از آیه‌های هستی هستیم. منظور از ارزش، ارزش خاطراتی است که دارد. مثلاً همان‌طور که گفتیم، اگر کسی که بلیط اتوبوس می‌فروخته، آن روز توی میدان بوده و به‌چشم خودش دیده است، اطلاعاتش از وزرای آن دوره که هیچ‌کدام در این قضیه نبودند یا حوادث آن روز را ندیدند؛ برای ما مهم‌تر است. پس برگردم سؤال شما را از منظر خودم جمع‌بندی کنم. ما یک بار مصاحبه را به‌قصد انتشار انجام می‌دهیم، یک‌بار به قصد تکمیل منابع (همان‌طور که اشاره کردید در آغاز دهه هفتاد، سازمان اسناد ملی ایران، این کار را کرد) و یک‌بار هم مصاحبه را به‌عنوان یکی از منابع در پژوهش بزرگ‌تر؛ انجام می‌دهیم. خوب نحوه چاپ هر سه تایی اینها، از ابتدا فرق می‌کند.

در مصاحبه‌ای که از ابتدا فردمحور و به قصد انتشار بوده، همان‌طور که اشاره کردید، می‌توانیم به سه صورت منتشر کنیم: یکی عین گفتار فایل صوتی آن را منتشر کنیم، مثل نواری که از بی.بی.سی. به‌عنوان انقلاب ایران درآمد و اولین کاری بود که بیرون آمد و به‌نام «مجموعه مصاحبه‌های انقلاب ایران به روایت رادیو بی.بی.سی.»، [منتشر شد]. یک‌بار هم مثل خیلی از کتاب‌های تاریخ‌شفاهی که الان چاپ می‌شود و در غرفه‌های متعدد هست (امروز بسیار بسیار دیدم که با عناوین تاریخ‌شفاهی چاپ شده‌اند)، بیرون می‌آید. یک کار دیگر هم کاری است که سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران از پارسال شروع کرد (زحمت آن را شما و همکارانتان کشیدید) که فایل صوتی یا متنی را به‌صورت الکترونیکی، آنلاین روی سایت قرار داد. سازمان سعی کرد که در اینها دخل و تصرفی نکند و بدون ویرایش یا <sup>۲</sup>unedited است.

بنابراین اهمیت تدوین در انتشار، بستگی به اهمیت دلیل انجام مصاحبه دارد. اگر مصاحبه

۱- Position جایگاه، مقام، موقعیت.  
۲- Unedited ویرایش نشده.



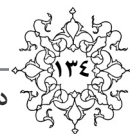
موضوع محور باشد، الزام انتشار همه مصاحبه نیست، ولی در مصاحبه‌های فردمحور اگر قرار است که چاپ بشود؛ بهترین روش آن است که به همان شکل و بدون ویرایش، آنچه مصاحبه‌شونده گفته است را چاپ بکنیم.

**نیک‌نفس:** من تشکر می‌کنم. در واقع آقای عزیزی ما را به بحث تدوین در تاریخ‌شفاهی کشاندند. من توضیحی را در تکمیل صحبت‌های ایشان بگویم. شاید بستگی به این دارد مصاحبه با چه قصد و هدفی انجام شده باشد. مثلاً ممکن است یک طرح تاریخ‌شفاهی با موضوع خاص داشته باشیم و به‌فرض می‌خواهیم اثرگذاری جنگ‌جهانی دوم در زندگی مردم عادی را بررسی بکنیم. خوب این یک موضوع کاملاً تاریخی است و ما را به یک پیشینه تاریخی برمی‌گرداند، ولی در عین حال کاملاً موضوعی است؛ یعنی دیگر مهم نیست که با یک آدم برجسته و شاخص مصاحبه بکنیم. پس هر کسی که جنگ جهانی دوم را در محیط و شهر خودش تجربه کرده است، می‌تواند پاسخگوی ما باشد؛ مشروط بر اینکه حافظه‌اش یاری بکند و جوابگو باشد. در منبعی که به این ترتیب به‌دست می‌آید، یعنی منبعی که از راه یک پژوهش موضوعی به‌دست آمده، قاعدتاً هر چیزی که مطرح شده است، حول همین مسئله است و شاید حواشی و جوانب کمتری داشته باشد.

وقتی با یک شخصیت در قالب [مصاحبه شخص‌محور] صحبت کنیم، کل زندگی این فرد را مورد سؤال قرار می‌دهیم، یعنی از ابتدا که کجا به دنیا آمده، سوابق خانوادگی‌اش چه بوده و تحصیلاتش چی بوده و ...، همین‌طور به جلو می‌آئیم تا مشاغل و تجربیات خاصی که در زندگی داشته؛ همه اینها را مورد سؤال قرار می‌دهیم. بعد به یک تجمیعی از اطلاعات زندگی آن فرد می‌رسیم و شاید در اینجا، اطلاعات جانبی به‌صورت کمتری ارائه شده باشد.

همکارم خانم پیمان‌صالحی دو تجربه در این زمینه دارند؛ هم موضوع تاریخ‌شفاهی نمایش در ایران را کار کردند و هم حول‌وحوش زندگی خانم پوری سلطانی، مصاحبه‌ای را انجام دادند که هر دو به چاپ رسیده است. من از ایشان خواهش می‌کنم که تجربه خودشان را در زمینه هر دو مصاحبه، با توجه به‌بحثی که الان مطرح شد، بفرمایند. آیا در مصاحبه موضوعی می‌توانیم مواردی را از متن مصاحبه حذف کنیم؟ آیا در کتاب خانم سلطانی مجبور شدید مواردی را حذف کنید؟ تدوین در هر کدام از اینها، به چه نحوی صورت گرفته است؟

**صالحی:** به نام خدا. من از خانم نیک‌نفس، آقای عزیزی و آقای فلاحی تشکر می‌کنم و امیدوارم صحبت‌های این نشست، مفید باشد و مورد استفاده قرار بگیرد. در زمینه سیاست‌های انتخاب مصاحبه، باید عرض کنم که سیاست سازمان اسناد ملی، در ابتدا با هدف چاپ مصاحبه‌ها نبوده است. در واقع از بیست سال قبل که انجام مصاحبه‌ها را به‌صورت مصاحبه‌های شخص‌محور آغاز کردیم، به این صورت بوده است. با خیلی از افراد که مصاحبه کردیم و توانستیم اعتماد آن‌ها را برای انجام مصاحبه جلب کنیم؛ می‌گفتیم که این مصاحبه قرار نیست چاپ و منتشر بشود و شاید



بخش زیادی از اطلاعاتی که جمع‌آوری کردیم، به همین دلیل بوده است. در واقع فرم مجوز استفاده از مصاحبه داشتیم و تمام مواردی که مصاحبه‌شوندگان در آن قید کرده بودند را رعایت کرده و می‌کنیم؛ به همین دلیل من در مورد نحوه انتخاب مصاحبه برای چاپ و نشر در خصوص سازمان‌هایی مثل سازمان اسناد و کتابخانه ملی صحبت می‌کنم که انجام مصاحبه‌ها از ابتدا، با هدف انتشار نبوده است؛ بر عکس موسسات و سازمان‌هایی مثل مرکز اسناد انقلاب اسلامی یا مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر که مصاحبه‌ها با هدف چاپ و انتشار صورت می‌پذیرند.

سه عامل در انتخاب مصاحبه‌ها برای چاپ و نشر نقش دارند که تأثیر آن‌ها مهم بوده و بعضی در مصاحبه‌های موضوع‌محور و بعضی در مصاحبه‌های شخص‌محور؛ پررنگ‌تر هستند. این سه عامل شامل: محتوای مصاحبه، شخص مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌گر است. انتخاب مصاحبه از نظر محتوا، برای هر دو نوع مصاحبه (شخص‌محور و موضوع‌محور)، باید براساس دیدگاه تولید منبع دست اول تاریخی باشد. در واقع محتوا به گونه‌ای باشد که از زبان نقش‌آفرینان حوادث بیان شده و صحت متن سنجیده شده باشد. همچنین هر دو نوع مصاحبه، منبع جدیدی را به جامعه پژوهشی عرضه نماید. عامل مصاحبه‌شونده در مصاحبه‌های شخص‌محور، اهمیت بسیاری دارد. پس مصاحبه‌شونده باید حافظه خوبی داشته باشد و در آن دانش و فن موردنظر، برجسته باشد. علاوه بر این، عامل مصاحبه‌گر، در هر دو نوع مصاحبه، نقش مهمی دارد. مصاحبه‌گر باید با مطالعات زیادی اقدام به انجام مصاحبه نماید، ذهن مصاحبه‌شونده را نسبت به اهداف مصاحبه روشن کرده باشد، بر مصاحبه مسلط باشد، ارتباط خوبی با راوی برقرار کرده باشد و سؤالات خوبی را بپرسد. در واقع در انتهای کار، از رسیدن به اهداف مصاحبه، رضایت داشته باشد. بنابراین در انتخاب مصاحبه برای چاپ، درمورد مصاحبه‌های موضوع‌محور، عامل محتوا و در مصاحبه‌های شخص‌محور، عامل مصاحبه‌شونده پررنگ‌تر است.

خوب من کتاب «خاطرات پوری سلطانی، مادر کتابداری نوین ایران» را که آماده می‌کردم، در مقدمه توضیح داده‌ام که هیچ مطلبی حذف نشده و همه مطالب مصاحبه، برای چاپ آماده‌سازی شده است. مطالب کتاب «تاریخ شفاهی نمایش در ایران»، حول موضوع خاصی است و در واقع موضوع‌محور است و بدون توجه به اهمیت مصاحبه‌شوندگان؛ در زمینه موضوع نمایش، مصاحبه‌هایی انجام شده است. پس بخش‌هایی از مصاحبه با این اشخاص، انتخاب و برای چاپ آماده‌سازی شده است. در ابتدا بیوگرافی مختصری از اشخاص بیان شده و بعد به اصل موضوع مصاحبه پرداخته شده است.

**نیک‌نفس:** خیلی ممنون از توضیحات خانم صالحی. یکی از چالش‌هایی که در این زمینه با آن مواجه هستیم، این است که در واقع بعد از اینکه متن مصاحبه را انتخاب کردیم، آن را به چه نحوی آماده کنیم؟ گاهی اوقات متن مصاحبه‌ای که انتخاب کرده‌ایم، خیلی طولانی است یا ممکن



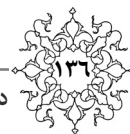


است مصاحبه‌ای باشد که در یک جلسه به‌اتمام رسیده باشد، در واقع تعداد صفحات آن از یک تا هزار برگ باشد. حالا با این انبوه اطلاعاتی که در بعضی موارد داریم، باید چه کار کنیم؟ خوب اغلب مصاحبه‌شوندگان، در سن بالایی هستند و از نظر شرایط جسمانی و حافظه، ممکن است در شرایط خاصی قرار داشته باشند. در مصاحبه‌ای که در چندین جلسه انجام شده است، خواسته یا ناخواسته، موارد تکرار وجود دارد، یعنی به اطلاعات تکراری پرداخته شده یا مواردی جابه‌جا گفته شده است. در تاریخ‌شفاهی هم بر این امر، خیلی اصرار می‌شود که اصالت متن حفظ بشود، یعنی اگر می‌خواهیم با آنچه مصاحبه‌شونده گفته است، به‌عنوان یک سند تاریخی برخورد کنیم؛ باید آنچه که گفته شده، واو به واو به روی کاغذ منتقل بشود و هیچ بخشی حذف نشود و چیزی هم اضافه نشود تا سندیت خودش را نشان بدهد. با توجه به این قضیه، در مواردی که جابه‌جا گفته شده، چه کار باید بکنیم؟

خوب به طور مثال، در جلسه چهارم مصاحبه، بر اثر شوق مصاحبه‌شونده نسبت به یک موضوع خاص یا علاقه‌مندی او به اشخاص خاص، به‌ناگاه مصاحبه به آن سمت کشیده شده است که درمورد آن شخص صحبت بشود. مثلاً در جلسه بیستم یک مصاحبه، اطلاعاتی درمورد موضوعاتی که در [جلسات] اول مطرح شده بودند، بیان می‌شود که به‌نوعی، مصاحبه را از نظر زمانی به عقب یا جلو کشانده است. در رابطه با این جور موارد که پیش می‌آید، چه کار بکنیم؟ آیا اجازه داریم ساختاربندی متن مصاحبه را تعیین کنیم؟ آیا می‌توانیم بگوئیم فصل اول قطعاً باید به زندگی فرد در کودکی بپردازد یا فصل دوم به تحصیلات یا فصل سوم به اشتغال وی بپردازد؟ آیا مجاز هستیم که متن مصاحبه را تکه‌تکه بکنیم و مواردی را از ابتدای مصاحبه به‌وسط، یا از وسط به انتها بکشانیم؟ من از عزیزانی که در این پانل حضور دارند، خواهش می‌کنم که نظرشان را در این مورد بفرمایند. آقای فلاحی نظرتان در این مورد چیست؟

**فلاحی:** اگر کتاب به‌صورت انتشار خاطرات باشد، می‌توانیم ترتیب زمانی سؤالات را تنظیم کنیم و مثلاً از تولد، تحصیل در مدرسه، دانشگاه و ... [قرار بدهیم] و پاراگراف‌بندی کنیم؛ البته حق نداریم که در متن دست ببریم. اگر تدوین خاطرات باشد، دستمان بازتر است و می‌توانیم با ویرایش، حذف و اضافه مختصری؛ این کار را انجام بدهیم. در مصاحبه‌های تلفیقی هم دست تدوین‌گر باز است که بتواند با [رعایت] ترتیب‌زمانی و فصل‌بندی، تدوین را انجام بدهد.

**نیک‌نفس:** با توجه به اینکه شما هم تجربه آماده‌سازی بخشی از مصاحبه‌ها را در قالب یک کتاب دارید؛ هم کتاب خودتان را معرفی کنید و هم درمورد مصاحبه‌های تلفیقی توضیح بفرمائید؟





**فلاحی:** در کتاب «زندگی و مبارزات امام خمینی (س) در نجف» که من کار کردم، با توجه به سؤالاتی که تهیه کرده بودم، یک سری مصاحبه با شخصیت‌ها انجام دادم. قبل از هر مبحث در [کتاب] سعی کردم توضیح مختصری در مورد تبعید امام به نجف بدهم که مثلاً امام در ۱۳ مهر ۱۳۴۴ به نجف تبعید شدند و بعد کسانی که حضور داشتند، راجع به موضوع صحبت کرده بودند و من تلفیقی از مصاحبه‌هایشان را آوردم. از اهمیت مطالب مصاحبه هم استفاده کردم، یعنی توضیح یک نفر که خودش حضور داشته را اول آوردم و بعد توضیحات تکمیلی را اضافه کردم؛ سپس مبحث جدید را شروع کردم.

**نیک‌نفس:** در واقع از اطلاعات مصاحبه‌های چندین نفر، در تدوین موضوع استفاده کردید. اگر بخواهیم متن کامل آن مصاحبه‌ها را [منتشر] کنیم یا اگر بخواهیم بدانیم مثلاً آقای ایکس در مورد موضوعی که شما دارید کار می‌کنید، دقیقاً چی گفته؛ باید به کجا مراجعه کنیم؟ برای اینکه بدانیم مبسوط آن خاطرات چه چیزهایی بوده است، چه کار بکنیم؟ سؤال همیشگی من این بوده که آیا این جور کار کردن، به سندیت مصاحبه و خاطرات، خدشه‌ای وارد نمی‌کند؟

**فلاحی:** به‌نظر من حق نداریم در اصل مصاحبه دست ببریم، ولی می‌توانیم پاراگرافی اضافه کنیم، مثلاً: «آیت‌الله خاتمی در این مورد می‌افزاید: امام که وارد نجف شد، از ایشان استقبال شد.» پس نمی‌توانیم در اصل مصاحبه دست ببریم، فقط بخشی از مصاحبه را جهت توضیح موضوعات می‌آوریم.

**نیک‌نفس:** مثلاً ممکن است صحبتی که ایشان کردند، مقدمه‌ای داشته باشد، ولی اطلاعاتی که شما استفاده کردید، سه، چهار خط باشد. در واقع [مصاحبه‌شونده] در دو پاراگراف توضیح کامل داده است و شما از دو خط آن استفاده کرده‌اید. آیا این امر دست شما را نمی‌بندد؟ می‌خواهم بدانم چه تأثیری در کار دارد؟

**فلاحی:** جاهایی را که می‌توانیم حذف کنیم، با نقطه‌چین نشان می‌دهیم و معلوم است که مطلبی حذف شده است و آن را داخل قلاب می‌گذاریم.

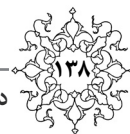
**نیک نفس:** آیا جایی هست که بتوانیم از متن کامل اینها استفاده کنیم؟  
**فلاحی:** بله، بستگی به سیاست سازمان‌ها دارد. مثلاً در مرکز اسناد انقلاب اسلامی، متن خاطرات قابل استفاده است.

**نیک نفس:** خانم صالحی، شما در مورد جابه‌جا کردن موضوعات در متن مصاحبه، چه نظری دارید؟  
**صالحی:** در زمینه آماده‌سازی متن اولیه مصاحبه، نکته خیلی مهم پیاده‌سازی دقیق است که نقش زیادی دارد. به دلیل اینکه استفاده از صوت و تصویر مصاحبه برای محققین دشوار است، مصاحبه‌ها را پیاده‌سازی می‌کنیم. پس اهمیت پیاده‌سازی در چاپ و نشر مشخص می‌شود. بنابراین در ابتدا باید به خوبی پیاده‌سازی بشوند. همچنین وجود سؤالات در متن مصاحبه، ضروری است، چون مهم‌ترین رکن تاریخ شفاهی، مصاحبه و پرسش است و با درج سؤالات، اهمیت کار مصاحبه‌گر مشخص می‌شود.

در مصاحبه‌های شخص‌محور که در یک جلسه انجام شده است، سعی می‌شود مطلبی از متن مصاحبه حذف نشود، ولی در مصاحبه‌هایی که در چندین جلسه انجام شده است، معمولاً بخش‌های تکراری هم وجود دارند. این موارد را زمانی حذف می‌کنیم که عیناً تکرار شده باشند. همچنین اولین سؤالی که می‌پرسیم، به این شکل است که به صورت مختصر خودشان را معرفی کنند و پس از آن، مصاحبه‌گر با کنترل مصاحبه سعی می‌کند که نگذارد روند تاریخی وقایع به هم برخورد و جلو برود. البته ممکن است به‌طورمثال در مورد بیوگرافی و خانواده که معمولاً در جلسه اول بیان می‌شود، مجدداً در جلسات بعدی هم تکرار شود که اگر عیناً همان مطالب بود، حذف می‌کنیم؛ وگرنه آن را در ادامه مطالب اولیه می‌آوریم، یعنی جابه‌جا می‌کنیم.

فصل‌بندی و عنوان‌بندی، جهت سهولت دسترسی محقق به متن مصاحبه و موضوعات و بر اساس فرازهای مهم زندگی مصاحبه‌شونده است. شاید یک محقق نخواهد که از کل مطالب کتاب استفاده کند و فقط بخش‌هایی مورد نظرش باشد. مثلاً وقتی به فصولی مثل مرکز خدمات کتابداری، کتابخانه ملی ایران و ... تقسیم می‌شود، خواننده سریع به موضوع مورد نظرش دست می‌یابد. پس رعایت این موارد به تناسب محتوا، به خواننده خیلی کمک می‌کند. علاوه بر این، اگر متن مصاحبه بدون پاراگراف‌بندی و استفاده از علائم نگارشی آماده‌سازی بشود، خوانش متن را برای خواننده مشکل می‌نماید و وی را خسته می‌کند. البته ما در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سعی می‌کنیم کم‌ترین تغییرات را در متن بدهیم. به‌طورمثال، همیشه جای فعل و فاعل و اجزای جمله عوض نمی‌شود و سعی بر این است که حالت گفتاری مصاحبه حفظ بشود و فضای مصاحبه برای خواننده تداعی گردد.

**نیک نفس:** پس شما هم به این قائل هستید که مجاز هستیم بخش‌هایی از مصاحبه را به‌ضرورت جابه‌جا کنیم؟



**صالحی:** بله، به‌ضرورت و حتماً باید این موارد را توضیح بدهیم که مثلاً بخش‌هایی حذف شده، یا هیچ قسمتی حذف نشده و همه مطالب آماده‌سازی شده است. در هر صورت ویرایش و تغییرات، نباید به اصالت متن صدمه بزند.

**نیک‌نفس:** آقای عزیزی، شما در این مورد چه نظری دارید؟

**عزیزی:** می‌خواهم اشاره کنم که ما با یک روش واحد که دارید و تلویحاً اشاره می‌کنید، سر و کار نداریم. سمت و سوی کار بعضی از افراد (مخصوصاً در واحدهای نظامی) که به تدوین خاطرات با عنوان تاریخ‌شفاهی پرداخته‌اند؛ در این جهت بوده که خاطرات را تدوین یا حتی بازنویسی کنند. در واقع خاطره را به‌عنوان دستمایه یک داستان مستند گرفته‌اند و به آن بال و پر و ساختار داده‌اند. خوب این، یک روش است. مثلاً من می‌توانم بگویم که این روش را قبول دارم و به این روش کار می‌کنم. روش دوم، همین روشی است که شما فرمودید، یعنی مصاحبه را بدون کم و کاست منتشر کنیم. هر کدام از این روش‌ها هم موافقین و مخالفینی دارد. البته الان عرض بنده روی مصاحبه‌های موضوعی و تلفیقی نیست که شما از چند مصاحبه‌شونده، اطلاعات می‌گیرید و در کارتان می‌آورید، بلکه درمورد مصاحبه‌های شخص محور است.

من از جای دیگری برایتان مثال می‌زنم. در مرمت، چه در مرمت کاغذی و چه مرمت آثار باستانی، یک قاعده جهانی داریم که شما باید به‌نحوی مرمت را انجام بدهید که در مرمت کاغذی بتوانید با ساده‌ترین وسیله، آن را به‌حالت اولیه‌اش برگردانید و در آثار باستانی اینکه با چشم دیده بشود. در واقع اگر شما به سایت‌های باستانی مراجعه کنید، معمولاً قسمت‌های مرمت‌شده، کم‌رنگ‌تر یا پررنگ‌تر از قسمت‌های اصلی بنا هستند، به‌دلیل اینکه اصالت اثر حفظ بشود.

بنابراین وقتی من در تدوین مصاحبه، ادبیات مصاحبه‌شونده را عوض می‌کنم، در واقع از ادبیات عامیانه مصاحبه‌شونده خوشم نمی‌آید و به آن بال و پر می‌دهم یا واژگانی که استفاده می‌کند را نمی‌پسندم و واژگانی را جایگزین می‌کنم. هر کدام از این کارها را انجام بدهم، طرفداران روش دوم (سازمان اسناد و کتابخانه ملی هم دارد همین روش را کار می‌کند)، یعنی عین اثر با کمترین دستبرد؛ معتقدند که اصالت و ارتباط بین اثر و مؤثر از بین رفته است. وقتی کسی بخواهد درمورد خصوصیات گفتاری و بسامد واژگانی که یک مصاحبه‌شونده به‌کار برده، تحقیق بکند؛ اگر من [تدوینگر] در آن دست برده باشم، نمی‌تواند این کار را انجام بدهد. متأسفانه خیلی از مصاحبه‌هایی که انجام شده و با عنوان تاریخ‌شفاهی هم چاپ شده است، این اشکال را دارند. کارهای بسیار خوبی که چاپ شده است، یک مصاحبه‌کننده، یک مصاحبه‌شونده و یک تدوینگر دارد؛ یعنی یک نفر دیگر آمده از اینها استفاده کرده، بازخوانی و حتی بازنویسی کرده که اصالت متن از بین رفته است. شما واقعاً نمی‌توانید بفهمید که ادبیات گفتاری راوی به چه شکلی بوده است. به طور مثال، در مصاحبه‌ای که آقای [محسن] کاظمی با آقای عزت‌شاهی (عزت مطهری) انجام



داد و کتاب خاطراتش هم چاپ شده؛ اول اینکه کتاب بسیار عالی و تأثیرگذاری است. حتی بعضی جاها برای اینکه طرف یادش بیفتد که وقتی داشته شکنجه می‌شده چی گفته، بردند به همان دستگاه وصلش کردند که بگو چی یادت می‌آید و ... در این کتاب شما واقعاً نمی‌توانید بفهمید ادبیاتی که دارید می‌خوانید، ادبیات گفتاری مصاحبه‌شونده است یا در اثر خامه آقای کاظمی پدید آمده است؛ پس نمی‌توانیم در مورد ادبیات مؤثر این اثر، صحبت کنیم.

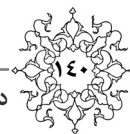
این، مربوط به طرفداران نظریه‌ای است که شما هم دارید به همان روش اقدام می‌کنید که مثلاً من می‌خواهم در مورد یکی از مصاحبه‌شوندگان، نه در خصوص اطلاعات تاریخی که داده، بلکه در خصوص ادبیات، واژگانی که استفاده می‌کرده و جغرافیای واژگانش؛ تحقیق کنم. خوب وقتی اصالت از بین برود، شما نسل آینده را از این موارد محروم کرده‌اید، در صورتی که در مورد نویسندگان، چنین چیزی نیست. وقتی نویسنده متنی می‌نویسد [اعم] از رمان، خاطرات و تاریخ؛ می‌توانید نوع نوشتار و جغرافیای ادبیاتش را [سواى] اطلاعات کتاب، کاملاً مورد بررسی قرار بدهید.

عرض من این است که دو تا روش وجود دارد. من هم مثل شما با روشی که اعتقاد دارد نباید زمان تدوین و انتشار مصاحبه تاریخ شفاهی فردمحور در آن دست برد؛ موافقم. اگر قرار است که در مصاحبه دست ببریم، باید فایل صوتی آن را هم ضمیمه کتاب بگذاریم تا خواننده بتواند به اصل ارتباطی که باید با متن برقرار کند، برگردد. حتی پریروز جلسه‌ای بود که (شما هم خودتان تشریف داشتید) این مسائل در آن [ مطرح شد]. یک سری مصاحبه چاپ شده است که تدوینگر سؤالات [مصاحبه] را برداشته است، یعنی شما نمی‌دانید که این پاراگراف یا صفحه یا فصل، در پاسخ به چه پرسشی گفته شده است. همین که بدانید این مطلب در پاسخ به چه سؤالی است، رابطه بین اثر و مؤثر را می‌فهمید. مثلاً اگر از من عزیزی سؤالی پرسیده شده، [معلوم می‌شود] که آیا متوجه آن سؤال شده‌ام یا دارم بیراه جواب میدهم؟ آیا حافظه‌ام را در این نکته از دست داده‌ام؟ آیا مخصوصاً دارم از [پاسخ] منحرف می‌شوم؟

بنابراین تدوینگر با تدوین نادرست، برداشت‌های ذهنی و منطقی که بعداً خواننده می‌تواند به دست بیاورد را از بین می‌برد. مثلاً خواننده نمی‌تواند بفهمد که من در این متن، عامدانه دارم از پاسخ به پرسش مصاحبه‌کننده فرار می‌کنم و جواب نمی‌دهم یا عامدانه دارم از کنارش می‌گذرم یا اصلاً خودم را به یک راه دیگری زده‌ام و [مطلب] دیگری می‌گویم. پس به این موارد [پی نمی‌بریم]، چون تدوینگر سؤالات را برداشته و شما را از اطلاعات جنبی محروم کرده است.

با این تفاسیل، معتقدم که اگر قرار است مصاحبه فردمحور منتشر بشود، باید به‌گونه‌ای باشد که کسی که می‌خواند، انگار توی جلسه مصاحبه نشسته است و بتواند خودش را جای مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده بگذارد.

**نیک‌نفس:** من از آقای عزیزی تشکر می‌کنم که پیوند بین بخش‌های مختلف بحث را به‌خوبی



برقرار می‌کنند و در واقع در این برنامه به من خیلی کمک می‌کنند.

**فلاحی:** من یک مطلبی را اضافه کنم. نگاه آقای عزیزی، نگاه سندی است، یعنی مصاحبه باید یک منبع خام باشد که بتوان به آن استناد کرد. نگاه من به کتاب خاطرات مطهری یا عزت‌شاهی، نگاهی برای استفاده همگان از تاریخ شفاهی است که جذابیت در آن نقش دارد. مصاحبه در نگاه سندی، باید به‌عنوان منبع و سند شفاهی برای استفاده پژوهشگر باشد.

**نیک‌نفس:** دقیقاً همین‌طور است. در واقع وقتی که مصاحبه تدوین می‌شود، گویی که ما آن را به یک متن جذاب [تبدیل کرده‌ایم]. منظورم از تألیف این است که یک ویراستار یا تدوینگر، آن را با قلم جذابی بازنویسی می‌کند، گو اینکه ما یک داستان یا رمان را با موضوعی که از مصاحبه گرفته‌ایم، بازنویسی کرده‌ایم. با توجه به صحبت‌هایی که در ابتدا گفتم، وقتی می‌خواهیم تاریخ شفاهی کار کنیم، هدفمان این است که یک منبع دست اول تاریخی برای پژوهشگران تولید کنیم و چون این سند است، ما به هیچ‌وجه اجازه نداریم که آن را مخدوش بکنیم. مثالی که من همیشه در صحبت با دوستان می‌گویم، این است که محوریت اصلی کار سازمان اسناد ملی، اسناد دولتی است. خوب وقتی یک پژوهشگر می‌خواهد از یک سند مثل فرمان ناصرالدین‌شاه استفاده کند، آیا حق دارد که در این فرمان یا هر سند دیگری دست ببرد؟ می‌تواند بگوید اگر این جوری نوشته می‌شد، بهتر می‌شد؟ خوب این یعنی یک جوری آن سند را مخدوش کرده است. در تاریخ شفاهی هم دقیقاً حساسیت به همین ترتیب است، یعنی اگر ترتیب کلمات را به هم بزنیم یا لحن کلام را از بین ببریم، در واقع به‌نوعی سند را مخدوش کرده‌ایم. در این جابه‌جایی ممکن است بعضی از معانی تغییر بکند. این، یک اصل اساسی در تاریخ شفاهی است که باید اصالت گفتار حفظ بشود.

الان مناسب است که به‌موضوع متن گفتاری برسیم. ما که ادعا داریم نمی‌خواهیم متن مصاحبه را مخدوش کنیم، چه جوری باید این وظیفه را انجام بدهیم؟ چه کار کنیم که وقتی داریم متن را از بیان به‌نوشته درمی‌آوردیم، گفتاری بودن و اصالت خودش را حفظ بکند؟

قبل از اینکه از دوستانم بخواهم در این زمینه توضیح بدهند، دو نمونه از کتاب‌های خاطرات را که قبلاً بخش‌هایی از آن‌ها را انتخاب کرده‌ام، برایتان می‌خوانم که معلوم بشود متن گفتاری، چگونه می‌تواند به نوشته منتقل بشود. یک بخشی از کتاب «خاطرات شاپور بختیار» که مربوط به تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد است را برایتان می‌خوانم. آقای بختیار می‌گوید:

«من وقتی فکر می‌کنم اگر به‌فرض محال مدت ۲۵ سال وزیر شاه بودم، زجری که در این مدت ۲۵ سال می‌کشیدم، [از زجری که از دوستان جبهه ملی کشیدم] کمتر بود که بیشتر نبود.»

البته الان امکان این نیست که بخواهم این جمله را نشان بدهم، ولی در اینجا ویراستار، بخش‌هایی را به این جمله اضافه کرده است تا روان بشود؛ البته با استفاده از علامت قلاب. بعد مصاحبه‌کننده



از ایشان می‌پرسد:

«در این مورد هم به شما انتقاد می‌کنند که رفتید و اعتصاب را شکستید.»

بختیار هم می‌گوید:

«بله، اجازه بدهید. اجازه بدهید. یک آدمی ست که الان هم با بنده سرخوشی ندارد و اینجا هست به نام آقای ارفع‌زاده. آنجا دانشگاه بود. جناب‌عالی می‌توانید از ایشان پرسید. در مقابل ۱۵۰ نفر در کنگره جبهه ملی گفت: آقایان آن روزی که در منزل بنده بودید و چنین تصمیمی گرفتید، آقای سنجابی، آقای فروهر، آقای حاج [حسن] قاسمی، آقای چیز، شما چه گفتید و من چه گفتم؟ گفتند که شما می‌گفتید بمانید و ما گفتیم، نه.»

شاید یک مقداری درک این جملات، سخت است ولی آدم وقتی می‌خواند، برایش تداعی می‌شود که شاید بختیار با یک حالت خاص دارد این صحبت را می‌کند و حتی هیجان‌زده بودن وی، در متن نوشتاری هم مشخص است. پس پیاده‌ساز یا ویراستار، آن قدر به‌اصالت گفتار اهمیت داده است که به‌همان شکل آورده است و خواننده هم می‌تواند تا حدی این [مطلب] را استنباط بکند. مثلاً اگر کلماتی در متن مصاحبه تکرار شده باشند، هیچ ضرورتی ندارد که حذف بشوند که جمله روان و قشنگ بشود.

من جمله دیگری را از کتاب «آموزگاران مدرسه عشق، با خدا مشورت کردم، تاریخ شفاهی مدارس اسلامی ایران به‌روایت محمد دادگستر» انتخاب کرده‌ام که پژوهش، مصاحبه و تدوین آن بر عهده آقای مهدی کاموس است. صحبت بر سر این است که مدارس اسلامی قبل از انقلاب در استان‌های مختلف چقدر پراکندگی داشته و چقدر تعدادش زیاد بوده است:

پرسش: «آن زمان هم استانی بود که اصلاً مدرسه نداشته باشید شما؟»

ببینید حتی سؤال هم ویراستاری نشده است. می‌توانست بگوید که آن زمان استانی بود که شما مدرسه نداشته باشید؟ در جواب گفته می‌شود:

«بله. بله استان سیستان و بلوچستان نداشتیم. هرمزگان نداشتیم. استان‌های مرزی نداشتیم، کردستان هم نداشتیم. اما مشهد داشتیم. بله.»

می‌خواهم بگویم که در اینجا هم حالت گفتاری بودن متن مشخص هست و ویراستار به‌گفتار، سرسپرده بوده و سعی کرده که با کمترین تغییر، متن را به‌صورت گفتاری به‌نوشته منتقل بکند. من از دوستانم خواهش می‌کنم اگر تجربه‌ای در این زمینه دارند، بفرمایند. خانم صالحی شما تجربه‌ای دارید؟ اگر بخواهیم متن را با حفظ حالت گفتاری بودن از گفتار به‌نوشتار دریاوریم، چه کار باید بکنیم؟ برای انجام این کار، چه راهکارهایی داریم؟

**صالحی:** در واقع بین روش‌های مختلف تدوین، اعم از خاطره شفاهی خام، تدوینی، تلفیقی و ویرایشی؛ کاری که سازمان اسناد و کتابخانه ملی انجام می‌دهد، تهیه خاطره شفاهی ویرایشی



است. البته به صورت مختصر ویرایش می‌کنیم تا اصالت و حالت گفتاری مصاحبه حفظ بشود. در واقع قرار نیست روان‌سازی ادبی انجام بدهیم، ولی کسی که تدوین می‌کند، باید خودش را به جای خواننده بگذارد. گاهی اوقات شکسته‌نویسی، ابهام و ناتمام ماندن جملات، خوانش مطلب را دشوار می‌کند و سرعت خواندن را کاهش می‌دهد. پس نمونه‌های این موارد که عرض شد را رعایت می‌کنیم تا خوانش متن آسان باشد. بنابراین اندک تغییراتی را با حفظ معنا و مفهوم جملات، اعمال می‌نمائیم. لازم هم نیست که به‌طور مثال همیشه جای فعل و فاعل را جابه‌جا کنیم، چون جمله گویا است و ابهامی ندارد.

به طور مثال، بخشی از کتاب «سرو سربلند: خاطرات پوری سلطانی» که مصاحبه و تدوین آن را انجام داده‌ام، برایتان می‌خوانم. از خانم سلطانی پرسیده‌ام:

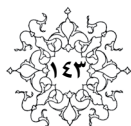
«از تصویب طرح تا ادغام، حدود سه سال فاصله افتاد، علت این تأخیر چه بود؟»

ایشان هم پاسخ داده‌اند:

«بله، ادغام این دو مرکز انجام نگرفت، نگرفت، نگرفت؛ تا سال ۱۳۶۲.»

پس لزومی هم ندارد که حتماً ساختار جمله را تغییر بدهیم و فقط در مواردی که ابهام زیادی ایجاد می‌کند، اندکی ویرایش می‌کنیم. اگر کلماتی را هم به‌ضرورت به‌متن مصاحبه اضافه می‌کنیم، باید حتماً آن‌ها را داخل قلاب قرار بدهیم. تغییرات هم نباید معنا و مفهوم جملات را تغییر بدهند. از علائم نگارشی هم به‌صورت متناسب استفاده می‌کنیم، به‌نحوی که به‌خوانش خواننده کمک کند. البته می‌توانیم با این علائم، مواردی را که مصاحبه‌شونده بر روی آن‌ها تأکید داشته است را مشخص کرده یا مک‌های وی را نمایان کنیم. برای توضیحات اضافی که لازم است درج کنیم، زیرنویس و پاورقی به‌کار می‌بریم. در واقع گاهی مصاحبه‌شونده مطلبی را به اشتباه گفته است که نباید در متن مصاحبه دست ببریم و باید گفتار مصاحبه‌شونده را درج کنیم و بعد در زیرنویس توضیح بدهیم که با توجه به مطالعاتی که انجام شده؛ این مطلب به اشتباه بیان شده است. مثلاً توضیح بدهیم که سال تولد ایشان در همه جا، ۱۳۱۰ ذکر شده، ولی ۱۳۰۶ صحیح می‌باشد.

**نیک‌نفس:** در واقع استفاده از علائم ویرایشی، کمک می‌کند که بتوانیم حالت جمله را به همان شکلی که گفته شده است، گویا بکنیم. بحث دیگری که به عنوان یکی از چالش‌های آماده‌سازی مصاحبه‌ها مطرح می‌شود، این است که آیا بعد از آماده‌سازی مصاحبه برای چاپ، لازم است که متن را قبل از انتشار در اختیار مصاحبه‌شونده قرار بدهیم که آن را رویت بکند و تأیید نهایی بدهد؟ قبل از اینکه دوستان نظرشان را در این مورد بگویند، این توضیح را عرض می‌کنم. روشی که ما در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران داریم، این است که بعد از اتمام مصاحبه، فرمی را تنظیم کرده‌ایم که به آن «مجوز استفاده از مصاحبه» می‌گوئیم. این فرم را در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار می‌دهیم و نحوه استفاده از مصاحبه را با چند سؤال از آنها می‌پرسیم. مثلاً این موارد:





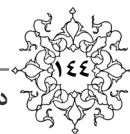
- آیا اجازه می‌دهید پژوهشگران از متن مصاحبه استفاده کنند؟
  - آیا اجازه می‌دهید متن مصاحبه را از رسانه‌های گروهی منتشر کنیم؟
  - آیا اجازه می‌دهید که متن مصاحبه به صورت کتاب چاپ بشود؟
- بعد با توجه به شرایطی که مصاحبه‌شونده اعلام می‌کند، از آن مصاحبه [استفاده می‌کنیم]. مثلاً ممکن است مصاحبه‌شونده نوشته باشد تا زمانی که زنده هستیم، اجازه استفاده از این مصاحبه را نمی‌دهم، یا مثلاً بگوید من پنج یا بیست سال اجازه استفاده از مصاحبه، به هر نحوی را محدود می‌کنم.

حالا ما فرض می‌کنیم مصاحبه‌شونده به ما این اجازه را داده است که مصاحبه را چاپ بکنیم، ولی مثلاً ده سال قبل با وی مصاحبه کرده‌ایم. امروز وظیفه حرفه‌ای ما، چه چیزی می‌گوید؟ آیا باید متن مصاحبه را به مصاحبه‌شونده بدهیم که نظر بدهد؟ باید توجه داشته باشیم که ممکن است نظر مصاحبه‌شونده در بعضی موارد، تغییر کرده باشد و بخواهد در متن مصاحبه، دست برد. آقای عزیزی، شما در این مورد چه نظری دارید؟

**عزیزی:** این مسئله بستگی به [سیاست] سازمانی دارد که مصاحبه را چاپ و منتشر می‌کند. مثلاً مرکز اسناد انقلاب اسلامی (تا جایی که من می‌دانم) متن مصاحبه را پس از آماده‌سازی و قبل از چاپ، به‌رویت مصاحبه‌شونده می‌رساند و تأیید ایشان را می‌آورد. البته متن را در زمان تدوین، یک مقدار بیشتر از ما دست‌کاری و ویرایش می‌کنند. این، مرسوم است و در سال‌های اخیر اتفاق افتاده است. البته نه در همه موارد، ولی این تجربه‌ای است که احتمالاً شما هم داشته باشید که متن مصاحبه آماده می‌شود و بعد برای تأیید در اختیار مصاحبه‌شونده قرار داده می‌شود و یک دفعه مصاحبه‌شونده می‌گوید که من اینها را نگفتم یا اصلاً منظورم این نبود یا حواسم نبود و ... به نظرم مشکلات این‌جوری هم یک چالش است که در مصاحبه‌های تاریخ‌شفاهی پیش می‌آید و باید به آن پرداخته شود.

اگر اجازه بدهید، من کمی به‌بحث ویراستاری برگردم. من در این قضیه، با فرمایشات خانم صالحی کاملاً موافقم. در واقع در ویرایش مصاحبه‌های فردمحور (همان‌طور که دکتر فلاحی اشاره کردند که نگاه من به مصاحبه تاریخ‌شفاهی، نگاه سندی است، چون اسناد الزاماً کتبی نیستند و سند شفاهی قابلیت نقد و بررسی هم دارد)، به‌عنوان یک منبع و گواه تاریخی؛ تا جایی که ممکن است، باید از دست‌بردن در متن پرهیز کنیم.

باز همان‌طور که خانم صالحی اشاره کردند، حد مجاز این است هر جایی که به خوانش خواننده و خواندن درست متن کمک کند، موظف هستیم انجام بدهیم؛ نه بیشتر. در واقع ضربه تصحیح افراطی کمتر از عدم تصحیح نیست. بعضی از ویراستاران یک مشت نقطه، ویرگول و نقطه‌ویرگول دارند که در متن پخش می‌کنند. بین هر دو یا سه کلمه یک ویرگول می‌گذارند. میزان آسیب این



موارد، کمتر از اینکه هیچ‌کاری روی متن انجام نشود، نیست. مرکز اسناد انقلاب اسلامی قبل از انتشار، امضاء می‌گیرد. در سازمان اسناد و کتابخانه ملی هم چون فاصله انجام مصاحبه تا انتشار طولانی شده است، کاری نکرده‌ایم. البته من برای مصاحبه دکتر سیروس پرهام، آن را قبل از انتشار دادم که ایشان ببینند، البته این دیدن، به معنی حذف، اضافه و ... نیست.

وقتی داریم درمورد چالش‌های تدوین صحبت می‌کنیم، ذهن ما فقط روی آن متمرکز نمی‌شود. فرض کنید در یکی از مصاحبه‌ها که من به‌عنوان استفاده‌کننده از آن استفاده کردم، اسامی بسیار زیادی به‌کار رفته بود (همین الان که خانم صالحی صحبت می‌کردند، فاصله ایشان که با میکروفن زیاد و کم می‌شد، صدا بالا و پائین می‌رفت. پس این تِلرانس<sup>۱</sup> صدا موقع بازشنوایی بد می‌شود.) به‌طورمثال در یک مورد نام «رادبن» نوشته شده بود و من می‌دانستم که چنین شخصی در آن گروه وجود نداشته و خانمی به اسم «لادبن» است. در واقع حرف «ر» و «ل» موقع بازشنوایی بد شنیده می‌شوند. یک‌سری حروف و واژه‌هایی داریم که بد شنیده می‌شوند، یعنی شنیدن آن‌ها بدشنوایی ایجاد می‌کند.

بنابراین یکی از مباحث الزامی در تدوین و اینکه مصاحبه‌شونده، مصاحبه را قبل از تدوین ببیند؛ این است که کلمات را به‌اشتباه نشنیده باشیم که بعد هم وارد تاریخ بشود. چه بسا و چه بسا مصاحبه‌شونده، مصاحبه خودش را از اول تا آخر نخواند و [باعث شود] حتی غلط‌آمایی را ببیند، چون معمولاً جلو که می‌رویم، ذهن اصلاح می‌کند. در بحث‌های چشم و حافظه مطرح شده است که چشم گول می‌زند و واژه‌هایی را که درست آن را بلد است، در خوانش، غلط را می‌دهد. پس الزاماً به‌خاطر محتوای اطلاعاتی نیست که باید مصاحبه را به مصاحبه‌شونده بدهیم. به ذهن من، یکی از مراحل تدوین این است که مصاحبه‌شونده اثر نهایی را قبل از چاپ ببیند تا از این جور اشتباهات جلوگیری کند.

**نیک‌نفس:** آقای فلاحی شما در این زمینه چه نظری دارید؟

**فلاحی:** من هم همین نظر را دارم. مشکلات و مواردی که آقای عزیزی گفتند، حتماً باید قبل از چاپ برطرف بشوند ولی چنانچه مصاحبه‌شونده بعد از [رویت] متن، حتی یک خط به متن اضافه کند، دیگر تاریخ‌شفاهی نیست چون سؤال و جواب [مجددی] صورت نگرفته است؛ اما تأیید مصاحبه از طرف مصاحبه‌شونده باعث می‌شود که مسئولیت و پیامد آن اثر را بپذیرد.

**نیک‌نفس:** من اجازه می‌خواهم که از این حالت خطی خارج بشویم. آقای [محمود] بازرگانی که یکی از مصاحبه‌شوندگان تاریخ‌شفاهی در سازمان ما هستند، در اینجا حضور دارند و من می‌خواهم نظر ایشان را در این زمینه بپرسم. آقای بازرگانی، اگر مصاحبه شما برای چاپ آماده شد، خودتان فکر می‌کنید که آیا لازم است متن مصاحبه را قبل از چاپ، تأیید نهایی بکنید؟

**بازرگانی:** بسم الله الرحمن الرحيم. خوشحال هستم که به دعوت خانم نیک‌نفس در این جلسه

۱- Tolerance: در علم فیزیک، به دامنه تغییرات مجاز یک کمیت گفته می‌شود

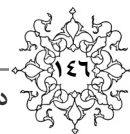


شرکت کردم. واقعاً تصور نمی‌کردم این قدر پربار باشد و در حوزه تدوین به‌صورت تخصصی، خیلی از موارد را یاد گرفتم. من مشخصاً بگویم که یک محقق دارای نگرش‌های مختلفی است. مثلاً من در مصاحبه‌ام در مورد [محلّه] جوادی به‌صورت مفصل صحبت کرده‌ام. شاید اساسی‌ترین رکن مصاحبه من، دوران کودکی و نوجوانی‌ام در آن منطقه بود. یک نکته اینکه با یک فهرست اعلام در انتهای کتاب، می‌شود محقق را راهنمایی کرد که مثلاً بفهمد چه کسانی در جوادیه، رگه‌های مبارزاتی داشتند و چه مساجدی بوده و ... یک نکته هم در مورد سوآلی که خانم نیک‌نفس فرمودند، این است که از خصوصیات ویژه تاریخ‌شفاهی این است که باید به دور از نگرش‌های جناحی و سیاسی باشد. اگر این نگرش‌ها نباشند، مطالب خالص ارائه می‌شوند. مثلاً اگر مصاحبه‌شونده مارکسیسم بوده، هیچ ابائی ندارد از اینکه بگوید من مارکسیسم بودم و در زندان، به‌دلیل مباحث و ... مسلمان شدم؛ یا برعکس.

اشکال تاریخ‌شفاهی این است که سازمان‌هایی که دارند این کار را انجام می‌دهند، نگاهشان، نگرش سیاسی امروز است که این، آفت است. مثلاً الان آقای [محمدعلی] عموی زنده است و اگر بخواهد حرف بزند، به‌قدری می‌تواند حزب توده ایران را بازخوانی بکند که واقعا زوایای بسته آن را باز بکند. اعتقاد من در زمینه تدوین این است زمانی که سازمان تصمیم می‌گیرد آن مصاحبه را چاپ بکند، باید به دور از نگاه ژورنالیستی، دانشگاهی و سیاسی باشد. فرض کنید وقتی من در مصاحبه‌ام مسائل مربوط به زندان در سال ۱۳۵۴ را توضیح دادم، گفته‌ام که بعضی از روحانیون در باب بعضی از مسائل، با رئیس زندان تفاهم کردند. اگر این مسائل گفته و چاپ نشوند، کی باید نسل جدید بدانند؟ مثلاً بعضی آقایان مارکسیست در زندان، به‌صورت مخفیانه اعتصاب را شکستند و خیانت اساسی به جرگه مبارزین وارد کردند. اینها باید واو به واو و حروف به حروف، در متن مصاحبه بیایند.

خوب اگر مصاحبه‌شونده در آخرین لحظات [قبل از چاپ] مصاحبه را ببیند، ممکن است برخی نکات که نگفته است را به خاطر بیاورد، چون مرور ایام این‌گونه است. مثلاً نگاه دانشگاهی و آکادمیکی که من امروز به مصاحبه دارم، در سال ۱۳۸۴ یا ۱۳۸۵ که مصاحبه‌ام انجام شد، نداشتم. مثلاً آقای عزیزی به‌عنوان کارشناس مصاحبه وقتی به متن نگاه می‌کند، می‌بیند که این حرف‌ها از دل و جان مصاحبه‌شونده برآمده و همه چیز را گفته است.

فکر کنم ما در سه، چهار جلسه فقط به زلزله بوئین زهرا در سال ۱۳۴۱، پرداختیم که در اسناد، خیلی کم در مورد آن گفته شده است. آن احساسی که من از پدرم منتقل کردم که دارای شش فرزند بود و نمی‌خواست که بچه‌هایش در زیر آوار تیر چوبی کشته شوند، این‌گونه اشاره کردم: «پدرم ما را به‌سمت کوچه پرت کرد.» [تدوینگر] نباید کلمه «پرت» را عوض بکند، چون به شاکله و ساختار مصاحبه دست می‌خورد.



همه کسانی که در این حوزه تخصص، نگاه و علاقه دارند، باید کمک بکنند افرادی که مطالبی را در حوادث می‌دانند و تا الان گفته نشده است را وادار کنند که حرف بزنند. البته ممکن است نخواهند حرف بزنند و دلایلش هم برای خودشان محترم است. پس باید سعی بشود که آن‌ها [راضی] بشوند که مصاحبه کنند و برای نسل آینده، چاپ بشود. متأسفانه امروز نسل جدید دارد با تحریف تاریخ توسط اساتید دانشگاه روبه‌رو می‌شود.

خانم نیک‌نفس می‌دانند که من در مورد انجمن فرهنگی ایران و انگلیس در خیابان فردوسی گفته‌ام که ما به این انجمن نفوذ کردیم. این انجمن محل ملاقات افراد سرویس‌های امنیتی انگلستان و جاسوس‌های آمریکایی بود. سال ۱۳۵۵، ۱۳۵۶ اینها را درآوردیم و آن مبارزات جان‌فشانی بوده است، چون در آن انجمن باید جوری رفتار می‌کردیم که آن‌ها متوجه نشوند. مثلاً در مورد محمود نیک‌پور، میسیونر معروف انجمن تبشیری، [کسب اطلاع کردیم]. شاید یکی از مهم‌ترین راه‌های تبلیغ و تبشیر مسیحیت، استفاده از گروه خاص درون جامعه باشد که اکثراً با وابستگی خارج از کشور و هدایت مستقیم از سوی جریان پروتستانیزم بین‌الملل؛ سیاست‌های آنان را پیگیری می‌کنند. اگر به اینها دست بخورد، یعنی شما نگاه کارشناسی ندارید.

الان که بحث کتاب آقای محسن کاظمی شد، باید بگویم با اینکه من به ایشان ارادت دارم، ولی در مورد آقای عزت مطهری، آنچه که ایشان را بین مبارزین سیاسی شاخص می‌کند، شش ماه بسته شدن ایشان به تخت بود که در مورد این، خیلی کم صحبت شده است. من می‌فهمم که شش ماه به تخت، زیر هشت کمیته مشترک ضد خرابکاری بسته شدن، یعنی چه! امروزه گاهی که به موزه عبرت دعوت می‌شوم تا برای افراد صحبت بکنم، دانشجوی دکتری نمی‌تواند حس بکند که لحظه ورود به اتاق بازجویی در اتاق تمشیت، چه قدر آسیب‌های روحی - روانی به فرد وارد می‌کرد. این قدر باید توکل افراد قوی می‌بود - چه مارکسیسم و چه مسلمان - که بتوانند [تحمل بکنند]. پس اگر بخواهیم به اینها در مصاحبه دست بزنیم و کلمات لطیف بیاوریم، دست‌خورده شده و از حیض انتفاع واقعی‌اش دور می‌شود. ببخشید که خیلی طولانی شد.

**نیک‌نفس:** خیلی ممنون آقای بازرگانی. توضیحات شما خیلی ملموس بود، به این دلیل که شما هم سال‌ها در زندان‌های رژیم شاه بودید و هم ۹ سال در اسارت رژیم صدام در عراق بودید و تجربه‌های بسیار زیادی در این زمینه دارید و به همین دلیل توضیحات شما خیلی ملموس، زنده و بارز است. توضیحاً عرض کنم که مصاحبه با آقای بازرگانی، ۲۲ جلسه است، چون ایشان همه چیز را با جزئیات تعریف کردند؛ البته فقط مربوط به دوران مبارزات سیاسی ایشان در زمان پهلوی است و به [وقایع] دوران اسارتشان وارد نشدند. انشاءالله توفیق داشته باشیم که این بخش را هم از ایشان بگیریم.

خوب تقریباً در مورد موضوعات اصلی صحبت کردیم، به غیر از این مطلب که ویراستار می‌تواند



از طریق اضافه کردن ضمائم به کتاب، به خواننده و پژوهشگر کمک بکند. مثلاً اسنادی در رابطه با موضوع کتاب، اضافه بکند. مخصوصاً اضافه کردن عکس‌های [مرتبط] می‌تواند به درک واقعیت‌های کتاب، خیلی کمک بکند. یکی از مهم‌ترین امتیازاتی که یک کتاب تاریخ‌شفاهی می‌تواند داشته باشد، استفاده از تصاویر هست. همین‌طور استخراج نمایه‌های موضوعی و نام کسان، از جمله مطالبی هستند که می‌شود به کتاب اضافه کرد و یک اثر قابل‌استفاده را تولید نمود. البته لازم هست که حتماً به روش مصاحبه و تدوین، در مقدمه کتاب اشاره بشود تا تصور جامع و کاملی نسبت به شخص مصاحبه‌شونده و کاری که انجام شده است، به‌دست بیاید.

من از همه دوستانی که حوصله کردند و صحبت‌های ما را گوش کردند، خیلی تشکر می‌کنم. امیدوارم صحبت‌ها اندکی برای علاقمندان این حوزه مفید بوده باشد. همین‌طور از دوستانم که در این پانل حضور دارند، آقای عزیزی، دکتر فلاحی و خانم صالحی؛ تشکر میکنم و برای همه آرزوی سلامتی دارم. اگر دوستان در این زمینه سؤالی دارند، بفرمایند.

**خانم جبرائیلی:** آقای عزیزی، این‌طور که شما فرمودید، ما در مصاحبه‌های شخص‌محور مجاز به دخل و تصرف در مصاحبه نیستیم، ولی در مصاحبه‌های موضوع‌محور مجاز هستیم که در مصاحبه تغییراتی بدهیم؟

**عزیزی:** اگر این‌جوری گفتم، اصلاح می‌کنم. عرض من این نبود که شما در مصاحبه فردمحور مجاز نیستید دست ببرید، ولی در مصاحبه موضوع‌محور مجاز هستید که دست ببرید. در مصاحبه موضوع‌محور هم در ادبیات و گفتار مصاحبه‌شونده دست نمی‌برید، فرقی این است که فقط یک تکه را انتخاب می‌کنید. مثلاً فرض بفرمائید درمورد مصاحبه سیروس پرهام که چاپ شده، اگر یک نفر دارد درمورد تاریخ‌شفاهی فرش کار می‌کند، می‌تواند از آن قسمت خیلی کوتاهی که ایشان اشاره کردند، استفاده بکند. مصاحبه‌کننده که خانم صالحی هستند، آگاهانه مصاحبه را جوری تنظیم کرده بودند که مصاحبه‌شونده به این سمت و سو نرود، ولی ایشان در جاهایی تعریض زده است. اگر شما به‌عنوان محقق فقط به آن یکی، دو جا نیاز دارید، می‌توانید آن‌ها را با حفظ امانت، [به کار ببرید]. این، یعنی چه؟ یعنی اینکه سؤال مربوط و پاسخ مربوط را تا انتهای پاراگراف بردارید، در غیر این صورت، ایرادی که پیش می‌آید، این است که من خواننده نمی‌دانم این اتفاق از کجا بوده یا اینکه آیا چیزی را از ابتدای آن حذف کرده‌اید؟ اگر با دیدگاه مستندنگارانه نگاه کنیم، باید از ابتدای سؤال تا انتهای پاسخ را انتخاب نمائیم.

امروز فرصت نشد که درمورد دو، سه چالش اصلی مصاحبه‌های تاریخ‌شفاهی بحث کنیم. یکی از آن‌ها، اتهاماتی است که در حین مصاحبه، وارد می‌شود. من مصاحبه‌شونده در رابطه با فردی که در آن جلسه نیست، اتهام وارد می‌کنم یا یک خبری می‌دهم که آن خبر، امروز به‌عنوان اتهام تلقی می‌شود. موقع تدوین، نه فردی که اسمش را برده، زنده است و نه مصاحبه‌شونده. خوب اگر چاپ



کنم، یک اتهامی است که نه می‌توانم ثابت کنم و نه می‌توانم رد کنم و به فرد سوم نسبت داده‌ام. به ذهن من، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها اینجاست که تصمیم بگیریم علی‌رغم اینکه نباید چیزی را از مصاحبه حذف کنیم، آیا مجاز هستیم به خاطر حق فرد سوم که در جریان مصاحبه نیست؛ آن را حذف کنیم؟ مثلاً در بازسازی مصاحبه‌های جانبازان جنگ تحمیلی، آیا مجاز هستیم قسمت‌هایی را که احساس می‌کنیم شنیدن آن امروزه کمتر خوشایند است را حذف کنیم؟ می‌خواهم بگویم که خودسانسوری نیست، چون در مثال اول، مصاحبه‌شونده در مورد فردی که غایب است، حرفی زده که نه می‌توانم رد کنم و نه می‌توانم ثابت کنم. من فکر می‌کنم که این [موارد]، موضوع بحث دیگری است که باید روی آن کار کنیم.

من هم به نوبه خودم از دوستانی که حضور دارند، تشکر می‌کنم. امیدوارم بتوانیم سؤال آخر را در یکی از جلسات سازمان، به‌طور مفصل با حضور سایر دوستان، پاسخ بدهیم.

